

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام  
سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۸  
صفحات ۷ - ۲۳

## آسیب شناسی عملکرد حدیثی اهل سنت در نقل فضائل اهل بیت علیهم السلام مطالعه موردی: بررسی زوایی و اعتبار ایرادات ابن شهر آشوب بر محدثان اهل سنت

منصور داداش نژاد<sup>۱</sup>

محمد کاظم علیجانی<sup>۲</sup>

### چکیده

ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸) در مقدمه کتاب مناقب خویش با اشاره به چهل روایت و خبر در باب مناقب اهل بیت علیهم السلام معتقد است اهل سنت در این روایات دست برده و خبر یا حدیث را به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که حقوق اهل بیت علیهم السلام پایمال شود. او با برشماری ده محور، از اجماع اهل سنت برای خاموش کردن نور الهی پرده برداشته است. این مقاله بر آن است تا با بررسی و نقادی نظرات ابن شهر آشوب، نشان دهد که موارد یاد شده، خط فکری حاکم بر آراء اهل سنت نیست. پاره‌ای از مواردی که ابن شهر آشوب به عنوان کاستی اهل سنت یاد کرده در میان محدثان شیعه نیز رواج داشته است. برای سنجش زوایی نقادی‌های ابن شهر آشوب، احادیث مورد نظر وی به صورت مقایسه‌ای در کتب شش‌گانه اهل سنت و شش کتاب حدیثی شیعه (کتب اربعه، محاسن برقی و بصائر الدرجات) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.  
**کلیدواژه‌ها:** ابن شهر آشوب، منابع اهل سنت، مناقب اهل بیت، نقد حدیث.

۱. دانشیار گروه تاریخ اسلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول). mdadash@noornet.net  
۲. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان و دانش آموخته حوزه علمیه. Mk.alijani67@ltr.ui.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۱۸

## درآمد

محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸) مفسر، محدث، متکلم و مورخ شیعه، پس از شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰) توانست لقب شیخ الطایفه را از آن خود کند. او از سنین نوجوانی سفرهای علمی خود را آغاز کرد و پس از حدود ۷۰ سال تلاش علمی و دوری از وطن در شهر حلب سکنی گزید. حاصل مجاهدت وی برای فراگیری دانش بیش از ۲۰ تألیف در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی است که تنها ۵ اثر وی تاکنون به زیور طبع آراسته شده است. در میان آثار ابن شهرآشوب دو کتاب *مناقب آل ابی طالب* و *مثالب النواصب* با رویکرد آشنایی با مناقب و فضایل اهل بیت و همچنین شناساندن چهره واقعی مخالفان اهل بیت نوشته شده است. او در این دو کتاب از برخوردهای ناروای اهل سنت با احادیث فضایل اهل بیت علیهم السلام نوشته و در چند جا به صورت مصداقی به تبیین چرایی این برخوردها پرداخته شده است. اختصاص فصل‌هایی با عنوان «فصل فی رد الاخبار الکاذبه» گویای اهتمام وی برای برخورد با جریان ضد فضایی حاکم بر کتاب‌های اهل سنت است. آنچه در این نوشته مورد بررسی قرار گرفته، ادعاهایی است که ابن شهرآشوب در کتاب *مناقب آل ابی طالب* به صورت صریح متوجه اهل سنت می‌سازد. برای نیل به این منظور ابتدا باید نوع تعامل ابن شهرآشوب با اهل سنت و میزان آشنایی وی با دیدگاه‌های ایشان مورد ارزیابی قرار گیرد سپس نوشته‌ها و ایرادات ابن شهرآشوب درباره اهل سنت را بررسی و قضاوت کرد.

### ۱. ارتباط ابن شهرآشوب با اهل سنت

#### ۱/۱. مرادفات با اهل سنت

بخشی از سفرهای هفتاد ساله ابن شهرآشوب در شهرهایی با اکثریت اهل سنت مانند خوارزم، نیشابور، اصفهان، همدان، بغداد، موصل بود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۰). وی در تعامل مستقیم با علمای اهل سنت توانست روش روایی ایشان را مورد کاوش قرار داده، دیدگاه ایشان در نقل احادیث را به جامعه حدیثی شیعه بازشناساند. در مقدمه کتاب مناقب آنجا که سخن از شیوخ خویش می‌راند تعداد معتنابهی از دانشمندان فرهیخته و صاحب کرسی اهل سنت را بر می‌شمرد.

#### ۱/۲. بهره‌گیری از منابع اهل سنت

ابن شهرآشوب به وفور از منابع اهل سنت بهره می‌برد و تلاش می‌کند آنچه در متون اهل سنت مؤید دیدگاه‌های اهل بیت علیهم السلام است را استخراج کند. در این مورد ابن شهرآشوب از

باب الزام خصم، به کتاب‌های اهل سنت مراجعه کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶/۱). ابن شهر آشوب از اسناد مورد استفاده خود در ابتدای کتاب مناقب یاد می‌کند. اسناد وی به کتاب‌های اهل سنت قابل توجه است و سند دسترسی به منابعی مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، ترمذی، دارقطنی، مسند شافعی، مسند احمد، مسند ابوحنیفه، الموطا مالک بن انس، ابن هانی اندلسی، ربیع‌الابرار زمخشری، اللوامع ابوسعید خرگوشی، معرفة الحدیث حاکم نیشابوری، ابن جریر طبری، بلاذری، ابوالفرج اصفهانی، تاریخ خطیب بغدادی و نظایر اینها را به دقت یاد می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶/۱-۸).

ابن شهر آشوب، اخبار، اشعار و روایات فراوانی از ۱۹۳ نویسنده اهل سنت نقل کرده است (نک. صابری، ۱۳۹۲: سراسر کتاب). طریقه آموختن وی از ایشان به روش سماع، اجازه، قرائت، مکاتبه و مناوله بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶/۱).

## ۲. انگیزه ابن شهر آشوب در نگارش کتاب مناقب

اساس و پایه کتاب مناقب ابن شهر آشوب چنان که از مقدمه آن برمی‌آید، پاسخ دادن به اهل سنت است. ابن شهر آشوب انگیزه خود از نگارش کتاب مناقب را، مشاهده پنج کاستی زیر در مطالعات مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام و جبران و ترمیم آن بیان کرده است:

اول. ناسپاسی دشمنان و خارجیان نسبت به حقوق و فضائل امیرالمومنین علی علیه‌السلام.

دوم. اختلاف میان شیعه و سنی در امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و لزوم تحکیم مسئله امامت.

سوم. روی گردانی بیشتر مردم از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و کناره‌گیری از یاد ایشان.

چهارم. طعنه در علوم و دانش اهل بیت علیهم‌السلام.

پنجم. کراهت از محبت ایشان.

ابن شهر آشوب برای ارائه چهره مناسب از اهل بیت علیهم‌السلام به مطالعه و جستجو در متون روایی اهل سنت پرداخته و به بررسی آنها اقدام کرده است، اما در این مسیر نیز دستاورد قابل توجهی نداشته است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۱). او روایت‌های عامه را مختلف و مضطرب دیده و سر منشأ روایات اهل سنت را ناکثین، قاسطین، مارقین، خاذلین، واقفین، ضعفا، مجروحین و خوارج و شاکین معرفی کرده و بر این ادعای خود قرائن و مؤیداتی آورده است (ابن شهر آشوب، همانجا).

## ۳. ادعاهای ابن شهر آشوب در باب منابع اهل سنت

از نظر او اهل سنت در صدد مقابله با اهل بیت علیهم‌السلام برآمده‌اند. نگاه او چنین است که همه اهل سنت دست به دست هم داده‌اند تا نور الهی را خاموش کنند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۱).

او مؤیداتی برای این ادعای خود آورده و با توجه به نحوه عمل کرد آنان در باب فضائل اهل بیت علیهم السلام تلاش کرد ادعای خود را اثبات کند. مؤیدات و قرائنی که مستمسک ابن شهر آشوب قرار گرفته، بیشتر مربوط به مواضع ایشان در باب فضائل اهل بیت علیهم السلام است که در روایات به آنها اشاره شده است. موارد ده گانه ابن شهر آشوب در دو دسته کاستی‌های حدیثی و کاستی‌های تاریخی قابل تنظیم است. این موارد بدین شرح است:<sup>۱</sup>

### ۳/۱. کاستی‌های حدیثی

#### ۳/۱/۱. حذف و طعن

از نظر ابن شهر آشوب، محدثان شناخته شده اهل سنت برخی احادیث مشهور در باب فضائل اهل بیت را در مجامع حدیثی خود نیاورده، بر آن طعنه زده یا آن را تأویل کرده‌اند. او با بر شمردن دوازده حدیث، ادعای خود را اثبات کرده و اظهار می‌کند: پرهیزکارترین (آزکاهم) محدثان اهل سنت، حدیثِ خاتم<sup>۲</sup>، حادثه غدیر، خبر طیر<sup>۳</sup>، آیه تطهیر را نیاورده است و با انصاف‌ترین ایشان (أنصفهم) حدیثِ کُهِف<sup>۴</sup>، حدیثِ اجابت<sup>۵</sup>، حدیثِ تُحَف<sup>۶</sup> و حدیثِ ارتقاء<sup>۷</sup> را نیاورده و بهترین ایشان (خَیْرهم) در حدیثِ «أَنَا مَدِينَةُ الْعَلِيمِ» و حدیثِ لوح<sup>۸</sup> طعنه زده است و مشهورترین ایشان (أشهرهم) در حدیثِ وصیت توقف کرده و آیه «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» را تأویل کرده است.

در پایان این بند، ابن شهر آشوب با استناد به آیه ۵ سوره صاد، احادیث مذکور را روشن و

۱. تمامی مطالبی که از این پس از ابن شهر آشوب نقل می‌شود از مقدمه مناقب آل ابیطالب (ج ۱، ص ۲-۶) است.
۲. بر اساس حدیث خاتم، پس از این که امام علی علیه السلام انگشتر خویش را در نماز به سائل بخشید آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» نازل شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۳).
۳. حدیث طیر از سوی شیعه و سنی با اندک اختلاف در الفاظ نقل شده است (ترمذی، ۱۳۵۷: ۵/۶۳۶؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۱۰۷/۵).
۴. بر اساس حدیث کُهِف امام علی علیه السلام سوار بر بساطی به همراه عده‌ای به دیدار اصحاب کُهِف می‌رود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۳۳۸).
۵. مراد از حدیث اجابت به احتمال، روایات مربوط به پذیرش اسلام امام علی علیه السلام است که در روایات به عنوان اولین مسلمان و اولین اجابت کننده یاد شده است. این روایت در صحیح مسلم و بخاری نیامده است اما حاکم نیشابوری استدراک کرده و در مستدرک آورده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۵۲۸).
۶. بر اساس حدیث تحف، جبرئیل هدیه‌ای از آسمان برای امام علی علیه السلام آورد. در برخی روایات این هدیه میوه بود (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۲۳۰).
۷. حدیث ارتقا حدیثی است که بر اساس آن امام علی علیه السلام برای شکستن بت‌های کعبه بر دوش پیامبر قرار گرفت.
۸. منظور از حدیث لوح، حدیثی نیست که نام ائمه در آن درج شده بود بلکه حدیث «إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ» است زیرا که در منابع شیعی همین حدیث با ادامه ثبت شده که در آن به این که فضائل علی علیه السلام در لوح محفوظ ثبت شده اشاره کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۲۱۲). ترمذی این حدیث را با حاشیه‌ای آورده است.

آشکار دانسته و از رفتار اهل سنت در این باب تعجب کرده است.

ابن شهر آشوب در این محور با اشاره به چهار گروه از محدثان اهل سنت و بدون یاد و تصریح به نام ایشان، بی‌اعتنایی محدثان اهل سنت به برخی احادیث را مطرح می‌کند. مراد وی از پرهیزکارترین ایشان بخاری است که چهار حدیث (خاتم، حدیث غدیر، خبر طبر، آیه تطهیر) در کتاب صحیح وی یافت نمی‌شود چنان که مسلم نیز از چهار حدیث و فضیلت یاد شده تنها آیه تطهیر را آورده و سه مورد دیگر را نیاورده است (مسلم ۱۳۷۴: ۴/۱۸۸۳).

مراد وی از با انصاف‌ترین ایشان احتمالاً مسلم است که به هیچ یک از چهار حدیث (کهف، حدیث اجابت، حدیث تحف و حدیث ارتقاء) اشاره‌ای نکرده است.

مراد وی از بهترین ایشان ترمذی است که در سنن خود حدیث «مدینه علم» را آورده، اما آن را غریب و منکر دانسته است (ترمذی، ۱۳۵۷: ۵/۶۳۷) و حدیث لوح را نیز درج کرده و آن را حسن و غریب دانسته است (ترمذی، ۱۳۵۷: ۵/۶۳۲).

مشهورترین ایشان چنان که کرکی (قرن دهم) در *تسلیه المجالس* یاد کرده، محمد بن جریر طبری است (کرکی ۱۴۱۸: ۱/۳۸). او در تفسیر آیه «يُوفُونَ بِالَّذُرِّ»، این آیه را به امام علی عليه السلام پیوند نزده است و به صورت مطلق درباره ابرار دانسته است که در آیه پیش از آنان یاد شده است (طبری، ۱۴۲۰: ۲۹/۱۲۹). همچنین ذیل آیه «أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، علی رغم این که در کتاب تاریخ خویش واژه‌های مربوط به وصایت را برای امام علی عليه السلام به کار برده است (طبری، ۱۳۸۷: ۲/۳۲۱)، اما در تفسیر به واژه وصایت تصریح نکرده است و با آوردن روایات دیگری محتوای انذار را تأویل کرده و آن را سفارش پیامبر صلى الله عليه وآله به فاطمه عليها السلام دختر خویش و صفیه دختر عبدالمطلب برای پرهیز از آتش روز باز پسین و لو با بخشش دانه خرمایی ذکر کرده است (طبری، ۱۴۲۰: ۱۹/۴۱۰).

برخی احادیثی که ابن شهر آشوب یاد نکردن از آنها را به عنوان نقد بر جریان حدیثی اهل سنت آورده است، در منابع شیعی نیز به آنها اشاره نشده است از جمله حدیث کهف و تحف در کتب اربعه شیعه نیز نیامده است. همچنین اعتراض وی به طبری در باب عدم به کارگیری واژه وصایت می‌تواند توجیه شود زیرا که ممکن است این حذف از سوی ناسخان بوده باشد، زیرا که وی در تاریخ طبری که آن را پس از تفسیر تدوین کرده، حدیث را با واژه‌های صریح وصایت آورده است. البته نقد وی بر بخاری وارد است زیرا که وی احادیث مشهور مربوط به فضیلت امام علی عليه السلام را نیاورده است.

### ۳/۱/۲. تأویل احادیث

مراد از تأویل حدیث، بازگویی حدیث به گونه‌ای است که کاربرد عام یافته و از معنای خاص

بیرون رود. ابن شهرآشوب با بر شماری و اشاره به سه خبر اظهار می‌دارد، عده‌ای از اهل سنت اخباری که بر آنها اجماع است را به تأویل برده‌اند. این اخبار عبارتند از:

اول. آیه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»

دوم. حدیث: «أَنْتَ مِئِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»

سوم. حدیث: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ»

ابن شهرآشوب پس از این سه نمونه با استناد به آیه ۱۴ سوره نمل: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ»، کار ایشان را از روی عناد می‌داند.

- درباره آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»، ابن شهرآشوب به استناد منابع بسیاری از اهل سنت و شیعه، آیه مذکور را مربوط به خاتم بخشی امام علی علیه السلام دانسته و در این باره ادعای اجماع می‌کند (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۲/۳). منابع شش‌گانه حدیثی اهل سنت، از این حدیث یادی نکرده‌اند. برخی منابع اهل سنت این آیه را درباره عبادت بن صامت دانسته و یا این که مربوط به تمام مؤمنان ذکر کرده‌اند (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۳۹۱/۶؛ طبری، ۱۴۲۰: ۲۵/۱۰). از این رو علی‌رغم این که برخی منابع اهل سنت نزول آیه یاد شده را در خصوص خاتم بخشی امام علی علیه السلام در رکوع نوشته‌اند (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲۱۸/۶؛ ابن اثیر، ۱۳۹۰: ۶۶۴/۸)، اما چون در منابع اصلی حدیثی ایشان این موضوع نیامده است، نقد ابن شهرآشوب می‌تواند صحیح باشد.

- درباره حدیث منزلت، منابع اصلی حدیثی اهل سنت آن را آورده‌اند (مسلم، ۱۳۷۴: ۱۸۷۰/۴؛ ابن ماجه: بی تا، ۴۵/۱؛ ترمذی، ۱۳۵۷: ۸۸/۶؛ ابن حنبل، بی تا: ۱/۱۷۷). برخی محدثان اهل سنت اظهار می‌دارند هنگامی که در غزوه تبوک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام را به عنوان جانشین خویش در خانواده و عیال معرفی کرد، چنین سخنی فرمود. نسائی در سنن، حدیث را بدین گونه ثبت کرده است (نسائی، ۱۴۱۱: ۱۲۳/۵). البته نقل حدیث با این زمینه با جانشینی سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ارتباطی نمی‌یابد و خواسته شیعیان را تأمین نمی‌کند.

- روایت «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ» را بخاری و مسلم نیاورده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۱۸/۳). برخی منابع اهل سنت این حدیث را آورده و ثقلین را کتاب خدا و عترت رسول بر شمرده‌اند (ترمذی، ۱۳۵۷: ۱۳۳/۶؛ ابن حنبل، بی تا: ۱/۲۲۶)، اما برخی منابع اهل سنت که در شمار منابع اصلی حدیثی ایشان نیست، دامنه عترت را بسیار وسیع تعریف کرده و آل عقیل، آل جعفر و آل عباس را نیز شامل عترت دانسته‌اند (بغوی، ۱۴۱۱: ۱۹۱/۷؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ۱۸۲/۵).

مراد ابن شهرآشوب از تأویل روایات یاد شده که در شمار فضائل امام علی علیه السلام است، چنین

است که در مورد اول، علی‌رغم این که آیه درباره امام علی علیه السلام است، آن را شامل دانسته و دامنه آن را درباره تمام مؤمنان دانسته‌اند، در مورد دوم نیز منزلت یاد شده در حدیث را، منزلت در اهل دانسته و در مورد سوم دامنه عترت را بسیار عام تعریف کرده‌اند. در این باب منابع اهل سنت گونه‌های متفاوت رفتار کرده‌اند.

### ۳/۱/۳. قرار دادن باطل در برابر حق

ابن شهر آشوب سومین کاستی اهل سنت را چنین می‌نویسد: گروهی از اهل سنت مقابل هر حقی باطلی را قرار داده و در برابر هر سخنی، حرف ناروایی را آورده‌اند. وی دو حدیث زیر را از این باب می‌داند:

۱. «الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»: حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشتند.
۲. «وَ كَانَ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنَ الرَّجَالِ عَلِيٌّ وَ مِنَ النِّسَاءِ فَاطِمَةُ»: محبوبترین مردم نزد رسول خدا از میان مردان، علی علیه السلام و از میان زنان فاطمه علیها السلام بود.

او پس از ذکر این دو حدیث می‌نویسد: «احادیث ناروایی را علم کردند و ناآگاهان را با سخنان باطل به بیراهه کشیدند» و در ادامه از مجادله اهل سنت انتقاد می‌کند.

منابع اهل سنت مانند سنن ابن ماجه، سنن ترمذی، مسند احمد، حدیث اول را ابتدا به همانگونه که ابن شهر آشوب نقل کرده، آورده‌اند (ابن ماجه، بی تا: ۸۶/۱؛ ترمذی، ۱۳۵۷: ۱۱۷/۶؛ ابن حنبل، بی تا: ۳/۳)، سپس حدیث دیگری نقل کرده‌اند که در برابر حدیث نخست است. این منابع چنین روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابوبکر و عمر دو سید پیران بهشت از اولین و آخرین هستند. این حدیث را ابن ماجه، ترمذی و احمد بن حنبل در کتاب‌های خویش آورده‌اند (ابن ماجه، بی تا: ۷۱/۱؛ ترمذی، ۱۳۵۷: ۵۱/۶؛ ابن حنبل، بی تا: ۷۴/۲). سنن نسائی و مستدرک حاکم حدیث را تنها به گونه اول آن آورده‌اند (نسائی، ۱۴۱۱: ۵۰/۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۸۲/۳).

حدیث دوم را منابعی همچون سنن نسائی به گونه معمول و مرسوم آورده‌اند (نسائی، ۱۴۰۰: ۱۴۰/۵) که مورد نظر ابن شهر آشوب است، اما ترمذی، ابن حبان و حاکم حدیث دیگری آورده‌اند که بر اساس آن عائشه اظهار می‌دارد چون از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره محبوب‌ترین مردم نزد وی پرسش شد، ایشان از میان زنان عائشه و از میان مردان ابوبکر را معرفی کرد (ترمذی، ۱۳۵۷: ۱۸۹/۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۳۲۶/۱۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۳/۴).

این که منابع حدیثی اهل سنت هر دو گونه روایت را آورده‌اند نشان از آن است که این کتاب‌ها حساب شده و در طرحی از پیش آماده شده به گزینش روایات اقدام نکرده‌اند بلکه بر

اساس معیارهای رجالی و حدیثی خود به گزینش روایات مبادرت کرده و گاه هر دو گونه حدیث را ثبت کرده‌اند.

در میان محدثان نخست اهل سنت تنها می‌توان بخاری را به عنوان کسی که در طرحی حساب شده به چینش و گزینش روایات اقدام کرده، دانست.

### ۳/۱/۴. کاستن و افزودن بر اخبار

ابن شهر آشوب می‌گوید عده‌ای از اهل سنت در اخبار افزوده و یا از آن کاسته‌اند و با آوردن چهار روایت ادعا می‌کند که اهل سنت، احادیث را به صورت کامل نیاورده و تنها بخش‌هایی از آن را آورده‌اند. چهار روایت مورد نظری عبارتند از حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث سیادت حسنین، روایت حد بر مجنون:

۱. «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ».

ابن شهر آشوب می‌گوید: عده‌ای از روایان اهل سنت دعای پس از این حدیث را حذف کرده و آن را یاد نمی‌کنند.

این حدیث را برخی منابع اهل سنت همچون، مسند/احمد، سنن/ابن ماجه و سنن نسائی آورده و ادامه حدیث را چنین نوشته‌اند: «اللَّهُمَّ وَالِّ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» (ابن حنبل، بی‌تا: ۲۴/۲؛ ابن ماجه، بی‌تا: ۸۴/۱؛ نسائی، ۱۴۱: ۵/۱۳۲) هر چند برخی چون بخاری و مسلم اصل حدیث را نیاورده و برخی دیگر مانند ترمذی و حاکم نیشابوری تنها بخش اصلی حدیث: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» را آورده‌اند و دعای پس از آن را نیاورده‌اند (ترمذی، ۱۳۵۷: ۶/۷۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱: ۳/۱۱۸).

نقد ابن شهر آشوب نمی‌تواند جدی باشد زیرا که برخی منابع شیعی نیز بر روایاتی تکیه کرده‌اند که تنها شامل اصل روایت است و دعای پس از آن را ندارد مانند کتاب کافی کلینی و عیون اخبار الرضا (کلینی، ۱۳۶۲: ۴/۵۶۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۱۵۳) که تنها متن اصلی روایت را آورده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روایان گاه بخش‌های اصلی حدیث را آورده‌اند و به تبع ایشان نویسندگان و گردآورندگان کتب حدیثی نیز چنین کرده‌اند. از این رو این اشکال بر منابع حدیثی اهل سنت وارد نیست.

۲. «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

ابن شهر آشوب می‌نویسد: برخی از اهل سنت ادامه حدیث را «وَلَوْ كَانَ لَكُنْتُ»: اگر پیامبری پس از من بود، تو بودی، را ذکر نمی‌کنند.

منابع حدیثی اصلی اهل سنت هیچ کدام اضافه و دنباله حدیث را نیاورده‌اند چنان که منابع



حدیثی شیعه مانند کافی نیز چنین است و هیچ یک دنباله حدیث را نیاورده‌اند. از این رو این اشکال از آنجا که مشترک‌الورود بر هر دو گونه منابع است، نمی‌تواند اشکال‌زایی باشد. این حدیث با اضافه‌ای که ابن شهر آشوب یاد کرده رواج نداشته و شناخته شده نیست.

۳. «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

ابن شهر آشوب می‌نویسد: اهل سنت ادامه حدیث را «وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا»: و پدر ایشان بهتر از ایشان است، را روایت نمی‌کنند.

برخی منابع حدیثی اهل سنت این روایت را با ادامه آن آورده‌اند. سنن ابن ماجه، معجم الکبیر طبرانی و مستدرک حاکم در شمار این منابع هستند که حدیث را مطابق نظر ابن شهر آشوب با دنباله آن آورده‌اند (ابن ماجه، بی تا: ۸۶/۱؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ۳/۳۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۸۲/۳). منابع حدیثی شیعه مانند کافی و بصائر الدرجات اصل حدیث را نیاورده‌اند و برخی نیز چون من لایحضره الفقیه و امالی صدوق که حدیث را آورده‌اند، ادامه حدیث را نیاورده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/۴۲۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۲۵). بنابراین اگر ابن شهر آشوب در صدد انتقاد است می‌تواند نقد خود را به منابع شیعی تعمیم دهد که اصل حدیث را نیاورده‌اند.

۴. «رَوَى بَعْضُهُمْ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَلَمَ زَفَعَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يُدْرِكَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ»:

برخی از علی علیه السلام روایت کرده‌اند که به عمر بن خطاب گفت: آیا نمی‌دانی که تکلیف از دیوانه تا زمان هوشیاری، از بچه تا زمان درک و از خوابیده تا زمان بیداری برداشته شده است؟! ابن شهر آشوب می‌نویسد: ایشان بخش نخست حدیث را یاد نکرده‌اند که بر اساس آن عمر بن خطاب برای اجرای حد بر زن دیوانه‌ای اقدام می‌کند. همچنین بخش پایانی سخن عمر را نیز حذف کرده‌اند که پس بیان حکم الهی از سوی امام علی علیه السلام، خلیفه دوم اظهار کرد با اجرای حد بر زن دیوانه، هلاک می‌شده است. ابن شهر آشوب در پایان از کار ناروای اهل سنت در تبدیل روایات گله می‌کند.

در میان محدثان اهل سنت، بخاری اصل روایت را آورده و به نام عمر نیز اشاره کرده است (بخاری، ۱۴۰۷: ۸/۱۶۵). روایت حاکم نیشابوری روشن‌تر است که ذکر می‌کند، عمر در صدد اقامه حد بر مجنون‌ه‌ای بود (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴/۴۲۹). منابع اهل سنت پایان روایت را که اظهار هلاکت عمر در صورت تحقق حد بر دیوانه بود را نیاورده‌اند. منابع حدیثی شیعه به صورت مطلق درباره جاری نشدن حد بر مجنون‌ه، حدیثی از امام علی علیه السلام آورده‌اند، اما هیچ اشاره‌ای به ماجرای عمر نکرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/۱۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۹).

بنابراین در مورد یاد شده، منابع اهل سنت همچون منابع شیعی عمل کرده‌اند و نقصی بر آنان وارد نیست.

### ۳/۱/۵. سرقت مناقب

ابن شهر آشوب می‌نویسد: گروهی از اهل سنت مناقب اهل بیت علیهم‌السلام را برای دیگران دانسته‌اند. او برای نمونه از چهار روایت ۱. حدیث سد الأبواب ۲. حدیث صالح المؤمنین ۳. حدیث الاسم المكتوب علی العرش ۴. حدیث سلام جبرئیل، یاد می‌کند ابن شهر آشوب در ادامه عمل ناروای این گروه از اهل سنت را انکار می‌کند.

۱. حدیث سد ابواب را بیشتر منابع اهل سنت نظیر بخاری، دارمی، ترمذی و احمد بن حنبل برای ابوبکر آورده‌اند (بخاری، ۱۴۰۷: ۴/۵؛ دارمی، ۱۴۳۴: ۱/۱۱۹؛ ترمذی، ۱۳۵۷: ۶/۵۷؛ ابن حنبل، بی‌تا: ۱۸/۳). سرقت و جابجایی منقبت در این زمینه صورت گرفته و حق با ابن شهر آشوب است.

۲. بر اساس روایات شیعی، مراد از «صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ» در آیه اول سوره تحریم، امام علی علیه‌السلام است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۷۷)، اما برخی منابع اهل سنت مانند معجم الکبیر طبرانی و صحیح ابن حبان مراد از «صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ» در آیه را ابوبکر و عمر قلمداد کرده‌اند (ابی عوانه، بی‌تا: ۳/۱۶۶؛ طبرانی، ۱۴۰۴: ۱۰/۲۰۵؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۹/۴۹۸).

۳. روایت اسم مکتوب بر عرش چندان شناخته شده نیست. در برخی منابع شیعی مراد از نام ثبت شده بر عرش، نام دوازده امام دانسته شده است (خزاز، ۱۴۰۱: ۱۷۰). اما منابع اهل سنت این نام را نام ابوبکر دانسته‌اند که بر عرش کنار نام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درج بوده است و بر اساس روایاتی دیگر نام ابوبکر، عمر و عثمان نوشته شده بود (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۱/۵۴۹ و ۱۳/۲۳۶).

۴. درباره سلام جبرئیل بر امام علی علیه‌السلام، بر اساس روایت احمد بن حنبل در شب بدر با شجاعتی که آن حضرت از خود نشان داد، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بر او سلام کردند (ابن حنبل، ۱۴۰۳: ۲/۶۱۳). بنابراین روایتی دیگر در جنگ بدر، جبرئیل و میکائیل در کنار ابوبکر و علی بن ابی طالب بودند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۱۴۴).

در این محور، تنها در مورد اول و دوم می‌توان ابن شهر آشوب را بر حق دانست، دو روایت دیگر چندان شناخته شده نیست و منابع اصلی به آن پرداخته‌اند.

### ۳/۱/۶. جرح راویان مناقب

ابن شهر آشوب می‌نویسد: گروهی از ایشان راویان مناقب اهل بیت را جرح کرده و متن و

معنای این نوع از روایات را نیز طعن کرده و در قدح آن تلاش می‌کنند. در حالی که خوارج را اهل عدالت دانسته منقولات ایشان در باب فضائل دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را که عقل سلیم آنها را نپذیرفته و مطابق ضوابط نقل نیست، می‌پذیرند. ابن شهر آشوب، از کار ناروای ایشان انتقاد می‌کند.

مراد ابن شهر آشوب از این بند، نوع عملکرد بخاری است که روایات خوارج را در صحیح خویش آورده است (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴: ۳/۲۲۶). او دو روایت از عمران بن حطان از سران خوارج و یک روایت از حریر بن عثمان، از مخالفان امام علی علیه‌السلام را در صحیح بخاری آورده است (بخاری، ۱۴۰۷: ۵/۲۱۹۴، ۲۲۲۰ و ۳/۱۳۰۲). چنان که روایاتی از عکرمه نقل کرده است.

### ۳/۱/۷. نپذیرفتن برخی روایات

ابن شهر آشوب می‌نویسد: گروهی از ایشان برخی مناقب اهل بیت علیهم‌السلام مانند حدیث حُباب و حدیث ثُعبان و حدیث اُسد و حدیث جانّ و حدیث سَفرجل و حدیث رُمان را نپذیرفته و آن را افک قدیم و بهتان عظیم دانسته‌اند.

او شش روایت یاد شده را در عنوان انقیاد حیوانات برای امام علی علیه‌السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۳۰۷) و عنوان «تحف الله عزوجل» آورده است (همان: ۲/۲۲۹). این روایات، احادیث رایج و شناخته شده‌ای نیستند و بیشتر جنبه داستانی و تمثیلی دارند. حدیث سَفرجل چنین است که در بهشت یک گلابی به دست رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دهند که از درون آن کنیزی خارج شده و اظهار می‌کند برای امام علی علیه‌السلام خلق شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲/۲۳۲ و ۳/۳۶۰).

این روایات در مجموعه‌های حدیثی که گرایش اخباری داشته، آمده است و کتب اربعه حدیثی شیعه به هیچ یک از این روایات نپرداخته‌اند. بنابراین با توجه به محتوای غیر معمول این روایات، عدم درج این روایات در منابع اصلی حدیث اهل سنت، کاستی آنها به شمار نمی‌رود، چنان که در منابع اصلی حدیثی شیعه نیز این روایت انعکاس نیافته است.

### ۳/۲. کاستی‌های تاریخی

#### ۳/۲/۱. توسعه دامنه مفهومی اهل بیت علیهم‌السلام

ابن شهر آشوب می‌نویسد: گروهی از اهل سنت امت را از آل محمد، صحابه را از عترت و زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را از اهل بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند در حالی که اولاد رسول را ذریه و آل او ندانسته‌اند. او این روند را ستم در حق آل محمد دانسته و گمراهی عالِم را مانند شکستن کشتی ذکر می‌کند که

خود غرق شده و دیگران را نیز غرق می‌کند.

درباره تعیین مصداقِ اهل بیت علیهم‌السلام از سوی اهل سنت چند نظر بیان شده است:

اول. برخی همچون عکرمه مصداق اهل بیت علیهم‌السلام را تنها همسران پیامبر معرفی کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۲۰/۲۶۷؛ ابی‌طاهر المخلص، ۱۴۲۹: ۳/۳۴۹؛ ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۶۹/۱۵۰). این روایت و این نظر مورد پذیرش محدثان و نویسندگان مشهور اهل سنت قرار نگرفته و روایت وی در صحاح سته نیامده است.

دوم. عده‌ای دیگر علاوه بر همسران پیامبر، پنج تن را نیز از اهل بیت علیهم‌السلام قلمداد کرده‌اند. بیشتر اهل سنت این نظر را پسندیده‌اند.

سوم. گروهی دیگر علاوه بر همسران پیامبر، اهل بیت علیهم‌السلام را شامل تمام بنوه‌هاشم دانسته‌اند.

چهارم. عده‌ای اهل بیت علیهم‌السلام را تنها پنج تن دانسته و آیه تطهیر را مخصوص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی علیه‌السلام، فاطمه علیها‌السلام، حسن و حسین علیهم‌السلام دانسته‌اند. مسلم در صحیح با انتخاب روایت عایشه، مصداق اهل بیت را پنج تن دانسته است (مسلم، ۱۳۷۴: ۴/۱۸۸۳)، ترمذی در سنن با آوردن روایت ام سلمه، اهل بیت علیهم‌السلام را همان اهل کساء معرفی می‌کند (ترمذی، ۱۳۵۷: ۵/۲۰۴ و ۱۳۲/۶). طبری نیز در تفسیر با ثبت روایت ابو سعید خُدَری بر پنج تن بودن اهل بیت علیهم‌السلام تأکید کرده است (طبری، ۱۴۲۰: ۲۰/۳۶۳). طبری در میان نظرات درباره مصداق اهل بیت، این نظر را مقدم بر دیگر نظرات آورده و روایات مؤید آن را به صورت مبسوط گردآوری کرده است (طبری، ۱۴۲۰: ۲۰/۳۶۳).

با توجه به آرای نقل شده، خارج کردن ذریه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اهل بیت علیهم‌السلام مورد پذیرش اهل سنت قرار نگرفته و به عنوان یک رأی فرعی در برخی کتاب‌های ایشان نقل شده است. البته در باب تعمیم مصداق اهل بیت علیهم‌السلام و اشمال آن بر همسران رسول خدا، می‌توان همسو با ابن‌شهر آشوب شد و این نقصیه منابع اهل سنت را پذیرفت.

### ۳/۲/۲. دادن برتری‌های امام علی علیه‌السلام به دیگران

ابن‌شهر آشوب می‌نویسد: گروهی از اهل سنت در شمار سفلگان و معاندان هستند. عناد، ایشان را وا داشت که اخبار را جابجا کنند. او نمونه‌های زیر را از جمله مواردی ذکر می‌کند که برتری‌های امام علی علیه‌السلام به دیگران داده شده است:

- ابوبکر شجاع‌تر از علی علیه‌السلام بود.
- مَرَحِب را محمد بن مَسَلَمَه کشت.

- ذوالثدیة در مصر کشته شد.

- در ادای سوره براءت، ابوبکر امیر بر علی علیه السلام بود. چه بسا برخی گفته اند سوره براءت را انس بن مالک قرائت کرد.

- محسن را فاطمه علیها السلام در زمان پیامبر سقط شده به دنیا آورد.

- پیامبر صلی الله علیه و آله با ازدواج امام علی علیه السلام با دختری از بنی هشام بن مغیره مخالفت کرد و فرمود اگر او تمایل به چنین کاری دارد از دختر من جدا شود.

- صدقه پیامبر صلی الله علیه و آله که در دست علی علیه السلام و عباس بود توسط علی علیه السلام تصاحب و عباس از آن محروم شد.

پس از برشماری این هفت مورد، ابن شهر آشوب می گوید کسانی که به سوی باطل روند، گام هایشان لغزان خواهد بود.

موارد هفت گانه مورد نظر ابن شهر آشوب در منابع اهل سنت همه به یک گونه نیست. مورد اول و دوم و سوم به صورت نادر در منابع اهل سنت ذکر شده و منابع معمول و رایج ایشان خلاف آن را نوشته اند و آنچه مورد نظر شیعیان است را منعکس کرده اند. موارد چهار، پنج، شش و هفت همانگونه است که ابن شهر آشوب نوشته و بیشتر منابع اهل سنت مطالب را به همین گونه آورده اند.

### ۳/۲/۳. زیر سؤال بردن کارهای امام علی علیه السلام

ابن شهر آشوب می نویسد: گروهی از اهل سنت آشکارا به مقابله با اهل بیت علیهم السلام پرداخته اند، چنان که نظام در دو کتاب فُتیا و نُکت خود به احکام امام علی علیه السلام طعن زده است و جاحظ گفته ایمان علی علیه السلام، ایمان نبوده است زیرا که او در کودکی ایمان آورده است چنان که شجاعت او شجاعت نبوده زیرا که پیامبر صلی الله علیه و آله به او خبر داده بود که به دست ابن ملجم کشته خواهد شد (جاحظ، ۱۴۱۱: ۱۳۱، ۱۵۵). عده ای دیگر جنگ های آن حضرت را خطا دانسته اند و گفته اند که او مسلمانان را به عمد کشته است. چنان که هشیم گفته که امام علی علیه السلام صاحب فرزندان خردسالی بود و حال آن که امام حسن علیه السلام، ابن ملجم را کشت و منتظر آنان نماند. همچنین فُتیبی اولین خارجی در اسلام را حسین بن علی علیه السلام معرفی می کند.

ابن شهر آشوب در ادامه، این گروه را سنگدل و گمراه دانسته و می گوید: قسم به جانم که این

۱. بیشتر منابع اهل سنت معتقدند محسن فرزند فاطمه علیها السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شده و در کودکی درگذشته است (الله اکبری، ۱۳۸۸: ۵۹-۸۹).

امری عظیم و مسئله بزرگی در اسلام است بلکه همان گونه که خداوند فرموده است گمراهی آشکار است.

آنچه ابن شهر آشوب در باب زیر سؤال بردن مواضع امام علی علیه السلام از سوی اهل سنت یاد کرده، در منابع رسمی و شناخته شده ایشان نیست بلکه این گونه مباحث در کتاب های جدلی و شبه کلامی راه یافته و در مقام مناظره و گاه به صورت فرضی و ذکر شقوق مختلف حادثه بوده است. ابن شهر آشوب پس از برشماری موارد بالا از این که غوغائیان عرصه را بر محدثان و مذکران تنگ کرده اند، گله می کند و از تحیر و سرگردانی و ترس و خذلان عالمان شیعه یاد می کند و برای مقابله با ناراستی های اهل سنت، خطی را با مؤلفه های زیر برای نگارش خویش ترسیم می کند:

۱. رعایت انصاف

۲. پرهیز از تعصب در مخالفت با اهل سنت

۳. تلاش برای جداسازی میان شبهات و حجت، جداسازی میان بدعت و سنت، فرق نهادن میان صحیح و سقیم، تمییز دادن میان تازه و قدیم، شناخت حق از باطل و مفصول از فاضل.

۴. یاری از حق و پیروی از آن و نابود کردن و به زمین کوبیدن باطل.

۵. آشکار کردن آنچه آنان پوشانده اند و جمع کردن آنچه آنان پراکنده اند.

۶. اشاره به آنچه شیعه آن را روایت کرده است.

ابن شهر آشوب در پایان، روش خود برای گردآوری گزارش ها را، تکیه بر منابع عامه و خاصه و نیز دسترسی روشمند به گزارش ها از طریق سماع، قرائت، مناو له، مکاتبه و اجازه ذکر می کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱/۲-۶).

### نتیجه

ابن شهر آشوب با اتکا به مطالعات و پژوهش های حدیثی و مراجعه گسترده به منابع اهل سنت تلاش می کند، خط کلی حاکم بر مطالعات حدیثی ایشان را شناسایی و آسیب شناسی کند. او اشکالاتی چون جعل حدیث، خلط حدیث، تقلیل مفهوم و معنای حدیث و سرقت مناقب اهل بیت علیهم السلام را در این متون شناسایی کرده و از آنها یاد می کند. ابن شهر آشوب در نقل فضائل اهل بیت علیهم السلام، قرائت و انتظار حداکثری از اهل سنت دارد که تنها گروهی از شیعیان که می توان آنان را اخباریان دانست چنین اند. از این رو استنادات او برای مقابله با حریف، گاه به موارد شاذ و نادری است که نمی تواند بیانگر خط اصلی حاکم بر جریان حدیثی اهل سنت باشد.

در واقع ابن شهرآشوب با دیدگاه اخباری و پذیرش حداکثری اخبار به مصاف اهل سنت رفته و از همین زاویه به نقد کتاب‌های ایشان پرداخته است. علی‌رغم این که وی با معرفی انحرافات راه یافته به منابع اهل سنت تلاش می‌کند، چهره کلی حدیث اهل سنت را مخدوش نشان دهد. در حالی که مناقب بسیاری از اهل بیت علیهم‌السلام در همین کتاب‌ها مندرج است و در موارد قابل توجهی احادیث به گونه‌ای نقل شده که مراد شیعیان حاصل خواهد شد. چنان که با این منطق حداکثری ابن شهرآشوب، نیمی از کاستی‌های که وی برای منابع حدیثی اهل سنت بر شمرده را می‌توان بر منابع حدیثی شیعه نیز وارد دانست.

## منابع

- ابن ابى شيبة، ابوبكر عبد الله بن محمد (١٤٠٩ق)، المصنف فى الاحاديث والاثار، تحقيق كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد.
- ابن اثير، مبارك بن محمد (١٣٩٠ق)، جامع الاصول فى احاديث الرسول، تحقيق عبد القادر الارناووط، مكتبة الحلوانى.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٧٦ش)، امالى، تهران، كتابچى.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٧٨ش)، عيون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، انتشارات اسلاميه (جامعه مدرسين).
- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد (١٤١٤ق)، صحيح ابن حبان، تحقيق شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن حنبل، احمد (١٤٠٣ق)، فضائل الصحابة، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن حنبل، احمد (بى تا)، مسند، قاهره، موسسه القرطبه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على (١٣٧٩ش)، مناقب آل ابى طالب، قم، علامه.
- ابن عساكر، أبى القاسم على بن الحسن الشافعى (١٩٩٥)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمري، بيروت، دارالفكر.
- ابن ماجه (بى تا)، سنن، تحقيق محمد فواد عبدالباقي، بيروت، دارالفكر.
- ابى طاهر المخلص (١٤٢٩ق)، المخلصيات، تحقيق نبيل سعد الدين جرار، قطر، وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامية.
- أبى عوانة، يعقوب بن إسحاق الاسفرائنى (بى تا)، مسند، بيروت، دار المعرفة.
- الله اكبرى، محمد (١٣٨٨)، «محسن بن على»، مجله طلوع، شماره ٢٩، ص ٥٩ تا ٨٩، قم.
- بخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (١٤٠٧ق)، صحيح، بيروت، دار ابن كثير.
- بغوى، أبو محمد الحسين بن مسعود (١٤١١ق)، معالم التنزيل، تحقيق محمد عبدالله النمر، بيروت، دار طيبه للنشر و التوزيع.
- ترمذى، محمد بن عيسى (١٣٥٧ق)، سنن، تحقيق احمد محمد شاكر، القاهرة، بى نا.
- جاحظ، ابو عثمان (١٤١١ق)، العثمانيه، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت، دارالجيل.
- حاكم نيشابورى، ابو عبدالله (١٤١١ق)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.



- خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الاثر فی نص علی الائمة الاثنی عشر، قم، بیدار.
- دارمی، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن (۱۴۳۴ق)، سنن، تحقیق نبیل هاشم الغمری، بیروت، دارالبشائر.
- صابری، حسین (۱۳۹۲ش)، کتابخانه ابن شهر آشوب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
- طباطبایی، سید محمد (۱۳۹۳)، ابن شهر آشوب حیات و آثاره، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم (۱۴۰۴ق)، المعجم الكبير، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مكتبة العلوم والحكم.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، تحقیق طارق بن عوض الله بن محمد، قاهره، دارالحرمین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق)، جامع البیان فی تاویل القرآن، تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، موسسه الرساله.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کرکی، محمد بن ابی طالب الحسینی (۱۴۱۸ق)، تسلية المجالس، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، الکافی، تهران، اسلامیه.
- متقی هندی، علاء‌الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، تحقیق بکری حیانی، بیروت، موسسه الرساله.
- مسلم، ابن حجاج نیشابوری (۳۷۴ق)، صحیح، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نسائی، ابی عبد الرحمن أحمد بن شعیب (۱۴۱۱ق)، السنن الكبرى، تحقیق دکتر عبدالغفار سلیمان البنداری وسید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نباطی بیاضی، علی (۱۳۸۴ق)، الصراط المستقیم، نجف، مكتبة الحیدریة.

